

شیوه‌های بازنمایی اعتیاد در سینمای ایران

مهدی سلطانی گردفرامری^۱، علی اصغر اسماعیل زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۰

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال بوده که فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب مسائل مربوط به اعتیاد و معتادان را چگونه بازنمایی کرده است. **روش:** برای پاسخ به این سؤال ۳۳ فیلم سینمایی ساخته شده بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ که شخصیت‌های اصلی آنها را معتادان تشکیل داده‌اند، به روش تحلیل محتوایی مورد بررسی قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد که در فیلم‌های مورد بررسی، معتادان غالباً مرد، مجرد، بیوه یا مطلقه و اکثریت آنها تحصیلکرده و دارای مدارک دانشگاهی بودند. همچنین، مصرف هروئین بیش از سایر انواع مواد مخدر در فیلم‌ها نمود داشته، خانه شخصی معتاد و خانه دوستان مهم‌ترین مکان‌های مصرف بوده و دوستان مهم‌ترین تهیه‌کننده مواد مخدر و مهم‌ترین عامل شروع مصرف نمایش داده شده‌اند. از سوی دیگر، طلاق و فروش فرزند بیشترین فراوانی آسیب‌های مربوط به معتادان فیلم‌ها را شامل شده و خانواده و گروه دوستان به عنوان مهم‌ترین علل اعتیاد در فیلم‌ها برجسته شده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فیلم‌های سینمایی در بازنمایی‌های خود از مسئله اعتیاد و معتادان نوعی "اعتیادپژوهی عامه‌پسند" فراهم می‌کنند که با اعتیادپژوهی آکادمیک تاحدودی همپوشانی دارد.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، اعتیاد، فیلم سینمایی، اعتیادپژوهی عامه‌پسند

۱- نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد البرز، پست الکترونیک: m.soltani55@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد البرز

مقدمه

امروزه رسانه‌های عامه‌پسند همچون فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، از وجوه اصلی زندگی روزمره در مدرنیته اخیر به شمار می‌آیند. این رسانه‌ها به مدت بیش از نیم‌قرن، نه فقط منبع اصلی اطلاعات بوده‌اند، بلکه نقش خطیری در شکل دادن به پندارهای افراد درباره جهان پیرامونی‌شان داشته‌اند (بنت، ۱۳۸۶: ۱۱۹). به قول استیونسن، سخن گفتن درباره فرهنگ-های مدرن اخیر به معنای سخن گفتن از فرهنگ‌های رسانه‌ای است (استیونسون^۱، ۱۹۹۵). نظریه پردازان بر این باورند که بازنمودهای تصویری و متنی رسانه‌های جمعی اهمیت زیادی برای ما دارند و بر این اساس، تحلیل‌های خود درباره این بازنمودها را در چارچوب نظریه بازنمایی^۲ صورتبندی کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷؛ بنت^۳، ۱۳۸۶؛ استوری^۴، ۱۳۸۵؛ بودریار^۵، ۱۳۸۹؛ دووینیو^۶، ۱۳۷۹؛ ولف^۷، ۱۳۶۷؛ هواکو^۸، ۱۳۶۱؛ استریناتی^۹، ۱۳۸۰؛ راوودراد، ۱۳۸۲). طبق این رویکرد، رسانه‌ها تصورات ما را درباره مسائل بنیادین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بازنمایی می‌کنند و به شیوه‌هایی که ما درباره این مسائل می‌اندیشیم، شکل می‌دهند. بر اساس نظریه بازنمایی، رسانه‌های جمعی همچون فیلم‌ها واقعیت اجتماعی را منعکس نمی‌کنند، بلکه واقعیت‌های اجتماعی در قالب ساختار روایی آنها خلق و به عبارت بهتر بر ساخت می‌شود. رسانه‌های جمعی از طریق آنچه بودریار (۱۳۸۹)، «فراواقعیت» می‌خواند، می‌کوشند واقعیت جدیدی را خلق کنند و زندگی روزمره را تحت تاثیر قرار دهند. بر همین مبنا، نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی، بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای را نه امری خنثی و بی‌طرف، که آمیخته با روابط و مناسبات قدرت برای تولید و اشاعه معانی مرجح در جامعه در راستای تداوم و تقویت نابرابری‌های اجتماعی تلقی و بنابراین، بازنمایی را ایدئولوژیک تصور می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). ایدئولوژیک بودن بازنمایی را می‌توان هم در نحوه بازنمایی‌های فرهنگی و رسانه‌ای از چیزها، همچون مواد مخدر و هم بازنمایی از سوژه‌های انسانی همچون معتادان مشاهده کرد.

1. Stevenson
4. Storey
7. Wolf

2. Representation theory
5. Baudrillard
8. Huaco

3. Bennet
6. Duveineu
9. Sterinatey

در همین زمینه، پژوهشگران کوشیده‌اند ابعاد بازنمایی‌های رسانه‌ای درباره جرم و آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد به مواد را مورد تحلیل قرار دهند. بنابر استدلال آنها، رسانه‌های جمعی، مسایل اجتماعی را تعریف و به متن تبدیل می‌کنند و ایده‌هایی درباره مواد مخدر، ماهیت اعتیاد، اخلاق، مجرم شدن، مصرف‌کنندگان، قاچاقچیان و تولیدکنندگان مواد، جرایم سازمان یافته، اجرای قانون، عدالت قضایی و تنبیه ارائه می‌دهند. از نظر این پژوهشگران، مقالات و متون رسانه‌ای که مسائل اجتماعی را تعریف و قرینه‌سازی می‌کنند، ایده‌هایی را نیز درباره میدان این مسائل مطرح می‌کنند و به تصورات درباره شیوه‌های مناسب تعدیل رسمی و غیررسمی این مسائل شکل می‌دهند (بوید و کارتر^۱، ۲۰۱۰). رینارمن و دوسکین^۲ (۱۹۹۹) براساس همین رویکرد تحلیلی، به فرایند شی‌واره‌شدنی^۳ اشاره می‌کنند که در داستان‌های خبری مربوط به مواد مخدر غیرقانونی دیده می‌شود؛ داستان‌ها و عکس‌های خبری، اشخاص و وقایع را از متن اجتماعی شان جدا می‌سازند و معتادان را به صورت افرادی تصور می‌کنند که دیوانه‌وار تحت فرمان وابستگی شان به مواد مخدر هستند و در نتیجه نمی‌توانند به عنوان سوژه‌های اخلاقی عمل کنند. همچنین، آن‌ها نمی‌توانند بهترین علائق خود را اجرایی کنند. این شکل از گزارش‌های خبری بدترین اثرات احتمالی مواد را به نمایش می‌گذارند. بررسی داستان‌ها و عکس‌های روزنامه‌ای به ما اجازه می‌دهند تا تعیین کنیم چه کسانی درباره مواد ادعاسازی می‌کنند و تحلیل کنیم که محتوا و ویژگی‌های این ادعاها درباره مصرف مواد چگونه هستند. همچنین این تحلیل‌ها برای فهم این که چطور برخی ایده‌ها و باورها درباره مواد و مصرف مواد شایع می‌شوند، بسیار مهم هستند و حتی درباره سیاست و تغییرات مشروع آگاهی‌بخش‌اند (بوید و کارتر، ۲۰۱۰).

در این چارچوب نظری گسترده، آسیب‌شناسان اجتماعی و جرم‌شناسان بر این باورند که یکی از اصلی‌ترین رسانه‌های مدرن یعنی فیلم‌های سینمایی، منبع فرهنگی مهمی برای درک ماهیت و علل انحرافات اجتماعی و جرم هستند. آن‌ها تبیین‌های ویژه‌ای از جرم و انحراف را مورد تأیید قرار می‌دهند و مباحث ملی (و حتی بین‌المللی) درباره علل آنها را

برای بینندگان نمایش می‌دهند. فیلم‌ها به تبیین‌های جرم‌شناختی عامه‌پسند نزدیک می‌شوند و پس از تجسم بخشیدن به آن تبیین‌ها، دوباره آنها را به توده مخاطبان باز می‌گردانند (رفتر^۱، ۲۰۰۶؛ ابرایان، تزانلی، یار و پنا^۲، ۲۰۰۵؛ تزانلی، یار^۳ و ابرایان، ۲۰۰۵؛ کینگ^۴، ۱۹۹۹؛ براون^۵، ۲۰۰۳؛ چرمک^۶، ۲۰۰۲؛ جنکینز^۷، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۹؛ کمبل^۸، ۲۰۰۵).

رفتر (۲۰۰۶) فیلم‌های جنایی و دیگر رسانه‌های جمعی را به عنوان عرصه‌ای برای مطالعات جرم‌شناسی در نظر می‌گیرد و معتقد است که آنها از طریق بازنمایی نظریات جرم‌شناختی برای مخاطبان می‌کوشند جرم و مجرم‌شدن را تبیین کنند. او گفتمان حاکم بر فیلم‌های جنایی را «جرم‌شناسی عامه‌پسند»^۹ نامگذاری می‌کند. جرم‌شناسی عامه‌پسند، گفتمانی است درباره جرم که «نه تنها در فیلم‌ها، بلکه همچنین در اینترنت، تلویزیون، روزنامه‌ها، داستان‌ها و موسیقی‌ها و اسطوره‌های رپ پیدا می‌شود». از نظر رفتر، جرم‌شناسی عامه‌پسند متفاوت از جرم‌شناسی آکادمیک است زیرا که ادعای دقت تجربی و اعتبار نظری ندارد. در عرصه جرم‌شناسی، فیلم‌های جنایی، قلمرو گسترده‌تری را پوشش می‌دهند. مخاطبان جرم‌شناسی عامه‌پسند بیشتر از جرم‌شناسی آکادمیک هستند و اهمیت اجتماعی آن نیز بیشتر است. جرم‌شناسی آکادمیک نمی‌تواند مجموعه گسترده‌ای از ملاحظات جرم-شناختی را ارائه کند. با این اوصاف، رفتر بر آن است که این دو نوع جرم‌شناسی، عامه-پسند و آکادمیک، یکدیگر را تکمیل می‌کنند، بدین صورت که هر کدام از آنها به شیوه خاص خودشان در فهم جرم سهیم می‌شوند. رفتر، جرم‌شناسی را به منزله مقوله‌ای چترگونه می‌بیند که هم جرم‌شناسی آکادمیک و هم عامه‌پسند را در بر می‌گیرد و تضادی میان این دو نوع جرم‌شناسی نمی‌بیند (رفتر، ۲۰۰۷).

براساس این استدلال‌های نظری، مقاله حاضر می‌کوشد چگونگی بازنمایی مسئله اعتیاد و معتادان را در فیلم‌های ایرانی بررسی کند. مسئله اعتیاد به مواد مخدر همواره یکی از سوژه‌هایی بوده که در سینمای جهان مطرح و محور داستان فیلم‌ها قرار گرفته است.

1. Rafter
4. King
7. Jenkins

2. O'Brien, Tzanelli, Yar & Penna
5. Brown
8. Campbell

3. Tezanelli, Yar
6. Chermak
9. popular criminology

شماری از فیلم‌های برتر تاریخ سینمای جهان، این سوژه را چه در متن و چه در حاشیه داستان‌های خود مطرح کرده‌اند. در سینمای ایران نیز سوژه اعتیاد یکی از سوژه‌های قدیمی و معتادان از شخصیت‌های همواره مطرح فیلم‌های محبوب و عامه پسند ایرانی چه پیش و چه پس از انقلاب بوده است. داستان یکی از محبوب‌ترین فیلم‌های پیش از انقلاب، "گوزن‌ها" حول محور اعتیاد و شخصیت یک معتاد شکل گرفته بود. همچنین شمار زیادی از فیلم‌های پس از انقلاب نیز سوژه اعتیاد را محور داستان خود قرار داده‌اند. این سوژه به‌ویژه در سال‌های اخیر، به تبع حاد شدن مسئله اعتیاد در جامعه بازتاب گسترده‌ای در فیلم‌های سینمایی همچون سنتوری، بوتیک، خون بازی، شمعی در باد، مهمان مامان، خانه‌ای روی آب، این زن حرف نمی‌زند، سربازهای جمعه، رئیس و ... داشته است. در این فیلم‌ها، یا موضوع اعتیاد سوژه محوری داستان بوده، یا یکی از شخصیت‌های اصلی آن‌ها معتاد بوده است. این فیلم‌ها موضوع اعتیاد را به اشکال گوناگون مطرح کرده و ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی متفاوتی را به معتادان نسبت داده‌اند. در این فیلم‌ها همچنین تبیین‌های مختلفی درباره مسئله اعتیاد و معتاد شدن مطرح و باورها و اندیشه‌های مختلف و گه‌گاه متضادی درباره اعتیاد و معتادان ارائه شده است. در واقع، به نظر می‌رسد که فیلم‌های بازنمایی‌کننده اعتیاد، فرهنگ و سیاست فرهنگی خاصی را در مورد این مسئله رواج می‌دهند و مسائل خاصی را درباره مسئله اعتیاد برجسته می‌سازند.

با در نظر گرفتن این ملاحظات، پژوهش حاضر که در حیطه مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی سینما قرار می‌گیرد و از منظر جامعه‌شناختی نیز ابعاد مختلف بازنمایی پدیده اعتیاد در فیلم‌های ایرانی را تحلیل می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش این است که در فیلم‌های سینمایی ایرانی پس از انقلاب، مسائل مربوط به معتادان چگونه بازنمایی شده و چه نوع تبیین‌هایی درباره مسئله اعتیاد مطرح شده است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح در این تحقیق، برای بررسی چگونگی بازنمایی مسئله اعتیاد و معتادان در فیلم‌های سینمایی، از روش «تحلیل محتوا»^۱ استفاده شد. بدین صورت که ابتدا پرسشنامه‌ی معکوسی بنابر متغیرهای مقوله‌بندی شده در بخش مفهوم‌سازی طراحی و سپس براساس آن فیلم‌های سینمایی انتخاب شده تحلیل محتوا شدند. در فرایند تحلیل فیلم، واحد تحلیل یا شمارش هر یک از متغیرها، «صحنه» بود. صحنه بنابر تعریف، به مجموعه نماهایی گفته می‌شود که در فیلم در یک مکان و یک زمان اتفاق می‌افتد. بنابراین، هر یک از فعالیت‌ها و فضاها حضور شخصیت‌های معتاد در فیلم و یا هر متغیر دیگر تحقیق، بر اساس واحد تحلیل صحنه، شمارش شد. در مرحله‌ی بعد، پس از انجام تحلیل محتوای فیلم‌ها از طریق پرسشنامه معکوس، داده‌های تحقیق به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

برای ارزیابی اعتبار پرسشنامه، از روش اعتبار صوری استفاده شد. بدین صورت که یک فیلم توسط سه داور تحلیل و نتایج آن‌ها با نتایج تحلیل محقق از همان فیلم مقایسه می‌شد. با این روش، نقص‌های پرسشنامه اصلی برطرف شده و در موارد لزوم، تعاریف عملیاتی تحقیق برای مرحله‌ی اصلی تحلیل محتوا دقیق‌تر شد. نتایج ارزیابی داوران نشان داد ۸۵٪ توافق بین آن‌ها وجود داشته؛ بنابراین، پرسشنامه از اعتبار قابل قبول برخوردار بوده است.

جامعه آماری در این پژوهش، کل فیلم‌های اکران شده در سینمای ایران پس از انقلاب بود که به نوعی مسائل اعتیاد و معتادان در آن‌ها مطرح شده بود. به علت محدود بودن تعداد فیلم‌های ساخته شده درباره اعتیاد و معتادان به مواد، از روش سرشماری استفاده شد. به این معنا که کل فیلم‌های ساخته شده درباره اعتیاد بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گرفت. بدین ترتیب ۳۳ فیلم ساخته شده درباره اعتیاد شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت. این فیلم‌ها، عبارت بودند از: سیاه‌راه، زخمه، طوبا، گل سرخ، در اسارت، بی‌پناه، خانه ابری، شب‌شکن، تاراج، مسافران، گل‌های داودی، دبیرستان، تیغ و ابریشم، پنجمین سوار سرنوشت، طعمه، روسری آبی، عینک دودی، تیغ-

زن، خون‌بازی، بوتیک، شمعی در باد، قصه پریا، خانه روی آب، رقص در آتش، سنتوری، قصه دل‌ها، مرهم، مهمان مامان، اکواریوم، شبانه، حضارشندگان، سربازهای جمعه و رئیس.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش درباره شیوه‌های بازنمایی مسئله اعتیاد و معتادان در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب را در چهار دسته می‌توان تقسیم بندی کرد که عبارتند از:

الف) ویژگی‌های دموگرافیک معتادان نقش اصلی در فیلم‌های مورد بررسی: بنابر داده‌های پژوهش، در کل فیلم‌های بررسی شده، ۵۲ معتاد در نقش اصلی ایفای نقش کرده‌اند که از مجموع آن‌ها، ۷۵ درصد مرد و ۲۵ درصد زن بودند. ضمناً در ۶ مورد از فیلم‌ها معتاد مرد و در ۲۱ مورد از فیلم‌ها، معتاد زن حضور نداشتند. این نتایج حکایت از حضور پررنگ معتادان مرد در فیلم‌ها در مقایسه با زنان معتاد دارد. همچنین، بیشتر معتادان نقش اول فیلم‌ها را مردان تشکیل داده بودند. بدین صورت که از مجموع ۳۳ فیلم مورد بررسی، در ۲۳ فیلم، معتاد نقش اول مرد و در ۱۰ فیلم زن بود. از سوی دیگر، بیشترین فراوانی سنی معتادان نقش اول فیلم‌ها متعلق به گروه‌های سنی ۳۱ تا ۴۰ سال به میزان ۲۸/۰۷٪ بود. پس از آن معتادان در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با فراوانی ۲۶/۳۱٪ بیشترین میزان را در فیلم‌ها داشتند. کمترین فراوانی معتادان نقش اصلی نیز متعلق به گروه سنی زیر ۲۰ سال به میزان ۸/۷۷٪ بود. همچنین، بیشترین فراوانی سنی معتادان مرد فیلم‌ها متعلق به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال به میزان ۳۳/۳٪ بود. اما بیشترین فراوانی سنی زنان معتاد در فیلم‌ها متعلق به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال بود. در فیلم‌های مورد بررسی هیچ معتاد زن زیر بیست سال مشاهده نشد. در حالی که ۱۲/۸٪ معتادان مرد زیر ۲۰ سال بودند. داده‌های مربوط به وضعیت تأهل نشان داد از مجموع معتادان نقش اصلی فیلم‌ها، ۴۶/۵۱٪ مجرد و ۳۲/۵۵٪ متأهل بودند. ۲۰/۹۴٪ از آن‌ها نیز بیوه یا مطلقه بوده‌اند. داده‌های مربوط به وضعیت طبقاتی نیز نشان داد که از میان ۵۲ نفر از کل معتادان نقش اصلی، فقط ۳۱ نفر در فیلم وضعیت طبقاتی‌شان مشخص بوده است. از میان این ۳۱ نفر، ۳۰/۷۶٪ طبقه پائین، ۲۲/۵۸٪ طبقه بالا و ۱۵/۳۸٪ طبقه متوسط بودند. همچنین، ۲۵/۸۰٪ معتادان نقش اصلی دارای

مدرک دیپلم، ۴۱/۹۳٪. دارای مدرک دانشگاهی و ۲۲/۵۷٪. نیز زیر دیپلم یا بی‌سواد بودند. بدین ترتیب، اکثریت معنادار معتادان نقش اصلی فیلم‌ها، افرادی تحصیلکرده و دانشگاه رفته بودند. داده‌های مربوط به وضعیت شغلی نیز نشان داد که از مجموع ۵۲ معتاد نقش اصلی فیلم‌های مورد بررسی، ۲۸/۸۴٪. شاغل، ۵۳/۸۴٪. بیکار و ۱/۹۲٪. دانش‌آموز بودند. ۱۵/۳۸٪. نیز وضعیت شغلی‌شان نامعلوم بود.

ب) وضعیت مصرف مواد مخدر در فیلم‌های مورد بررسی: از ۳۳ فیلم مورد بررسی، در ۹ فیلم اولین مصرف مواد مخدر توسط معتاد نشان داده شده بود و در ۲۴ فیلم دیگر این مسئله نشان داده نشده بود. همچنین، از ۹ فیلمی که اولین مصرف مواد در آن‌ها نمایش داده شده بود، در ۵ فیلم اولین مصرف تحت شرایط تعارف دوستان و اطرافیان و در ۳ فیلم اولین مصرف تحت شرایط اجبار و زور دیگران اتفاق افتاده بود. در یک فیلم نیز فرد معتاد برای ترک دادن دیگری (همسرش) به مصرف مواد روی آورد. همچنین، در ارتباط با میزان مصرف نتایج نشان داد از ۳۳ فیلم مورد بررسی، در ۲۷ فیلم مصرف مواد مخدر نمایش داده شده بود و در ۶ فیلم هیچگونه مصرف مواد نشان داده نشده بود. در جدول ۱ نوع ماده مصرفی و درصد آن گزارش شده است.

جدول ۱: نوع ماده مصرفی توسط معتادان در فیلم‌های مورد بررسی

نوع ماده مصرفی	تعداد صحنه	درصد
تریاک	۲۴	۲۶/۳
کراک	۳	۳/۲
شیشه	۵	۵/۴
هروئین	۳۴	۳۷/۳
قرص‌های روانگردان	۱۳	۱۴/۲
حشیش	۱	۱/۱
مرفین	۶	۶/۵
سایر	۵	۵/۴

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در کل فیلم‌های مورد بررسی، ۹۱ صحنه مصرف مواد وجود داشت یعنی بطور متوسط ۲/۷ صحنه در هر فیلم. از ۹۱ صحنه مصرف مواد در فیلم‌های مورد بررسی، بیشترین مورد مربوط به مصرف هروئین بود با ۳۴ صحنه (۳۷/۳٪) و پس از آن ۲۴ صحنه (۲۶/۳٪) مربوط به مصرف تریاک بود. قرص‌های

روانگردان، مرفین، شیشه و کراک به ترتیب در اولویت‌های بعدی نمایش مصرف مواد بودند.

نحوه تهیه مواد توسط معتادان نقش اول در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: نحوه تهیه مواد مخدر از سوی معتادان نقش اصلی

درصد	فراوانی	نحوه تهیه مواد مخدر
۵۲/۲	۴۷	از طریق دوستان
۱۷/۸	۱۶	کاسب‌های خیابانی
۱۲/۳	۱۱	از طریق قاچاقچیان
۷/۸	۷	از طریق همسر
۳/۳	۳	از طریق پدر
۳/۳	۳	خود معتاد (فروشنده)
۱/۱	۱	خارج از کشور
۱/۱	۱	مامور زندان
۱/۱	۱	هم‌سلولی زندان
۱۰۰	۹۰	کل

جدول ۳: فضاهای مصرف مواد مخدر در فیلم‌های مورد بررسی

درصد	تعداد صحنه	فضاهای مصرف مواد مخدر
۲۶/۳	۲۴	خانه شخصی معتاد
۲۳/۰۷	۲۱	خانه دوستان
۲۳/۰۷	۲۱	پارتنی‌ها و میهمانی‌ها
۷/۶۹	۷	مکان‌های مخروبه
۳/۲۹	۳	خیابان
۵/۴۹	۵	داخل ماشین
۱/۰۹	۱	حمام عمومی مردانه
۱/۰۹	۱	بیمارستان
۲/۱۹	۲	توالت عمومی
۳/۲۹	۳	زندان
۱/۰۹	۱	خانه اقوام
۲/۱۹	۲	سایر
۱۰۰	۹۱	کل

همان‌گونه که در جدول ۲ ارائه شده است در ارتباط با شیوه تهیه مواد نتایج نشان داد که از مجموع ۳۳ فیلم تحلیل شده، ۹۰ صحنه در مورد نحوه تهیه مواد از سوی معتادان نقش

اصلی در فیلم‌ها به نمایش درآمده بود. در این بین، بیشترین فراوانی مربوط به "دوستان" با ۵۲/۲٪ بود. به عبارتی بیش از نیمی از معتادان نقش اصلی، مواد خود را از طریق دوستان‌شان تهیه می‌کردند. در جدول ۳ فضاهای مصرف مواد مخدر ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بیشترین فضاهای مصرف مواد مخدر در فیلم‌های سینمایی، خانه شخصی معتاد با فراوانی ۲۴ صحنه (۲۶/۳٪) بوده است.

جدول ۴: نوع آسیب‌های اجتماعی مربوط به خانواده معتادان در فیلم‌های مورد بررسی

فراوانی فیلم‌ها		نوع آسیب‌های اجتماعی مربوط به خانواده معتادان
قبل از اعتیاد	بعد از اعتیاد	
۸	۲	فقر
۴	۲	قاچاق و فروش مواد مخدر
۵	۲	طلاق
۱	۰	روابط جنسی نامشروع
۲	۰	خیانت به همسر
۵	۲	نابسامانی خانوادگی
۰	۱	خودکشی
۱	۰	فروش فرزند
۲	۰	بیکاری
۴	۰	خشونت خانگی
۱	۰	دزدی
۱	۰	همکاری با قاچاقچیان
۲	۰	بی‌خانمانی
۱	۰	فحشا
۱۲	۲۴	فیلم‌های فاقد نمایش آسیب‌های خانواده معتادان

ج) نمایش آسیب‌های اجتماعی معتادان در فیلم‌های مورد بررسی: در این پژوهش، آسیب‌های اجتماعی خانواده معتادان فیلم‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا شاخصی باشد برای شیوه تبیین اعتیاد در فیلم‌های سینمایی. نوع آسیب‌های اجتماعی مربوط به خانواده‌های معتادان در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۵: نوع آسیب‌های اجتماعی معنادان دارای نقش اصلی در فیلم‌های مورد بررسی

فراوانی فیلم‌ها		نوع آسیب‌های اجتماعی مربوط به خانواده معنادان
قبل از اعتیاد	بعد از اعتیاد	
۷	۰	فقر
۸	۰	قاچاق و فروش مواد مخدر
۱	۰	طلاق
۱	۰	روابط جنسی نامشروع
۱	۰	نابسامانی خانوادگی
۱	۰	خودکشی
۵	۰	فروش فرزند
۱	۰	بیکاری
۴	۰	خشونت خانگی
۴	۰	دزدی
۲	۰	همکاری با قاچاقچیان
۳	۰	بی‌خانمانی
۴	۰	فحشا
۱	۰	قتل
۱	۰	شرب خمر
۲	۰	زندانی شدن
۸	۳۳	فیلم‌های فاقد نمایش آسیب‌های خانواده معنادان

جدول ۶: علل اعتیاد بنابر گفتار فیلم‌های مورد بررسی

فراوانی بر حسب تعداد فیلم	علل اعتیاد
۴	اعتیاد والدین
۳	ناسازگاری و طلاق والدین
۲	طرد از خانواده
۱	بیکاری
۵	فقر
۲	رژیم سیاسی
۲	امپریالیسم
۲	تربیت نادرست فرزند
۴	مشکلات روانی
۷	گروه دوستان
۴	ازدواج یا عشق نامناسب
۱	مهاجرت از روستا به شهر
۱	تضاد بین نسلی
۱	تقابل سنت و مدرنیته

در این پژوهش، نوع آسیب‌های اجتماعی خود معتادان در فیلم‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد در هیچکدام از فیلم‌های مورد بررسی، آسیب‌های اجتماعی پیش از اعتیاد افراد معتاد نشان داده نشده بود. در عوض در ۲۵ فیلم از ۳۳ فیلم مورد بررسی، نمایش زندگی معتادان دارای نقش اصلی با آسیب‌های اجتماعی گره خورده بود. نوع آسیب‌های اجتماعی معتادان نقش اصلی در جدول ۵ ارائه شده است.

د) تبیین اعتیاد در فیلم‌های مورد بررسی: در این پژوهش کوشیده شد تا عللی که در فیلم‌ها برای مسئله اعتیاد برشمرده شده مورد بررسی قرار گیرد. علل اعتیاد بنا بر گفتار فیلم‌های مورد بررسی در جدول ۶ ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بازنمایی فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب در مسائل مربوط به اعتیاد و معتادان بود. این هدف در چارچوب نظریه بازنمایی مطرح شده است که براساس آن، فیلم‌های سینمایی در خلال روایت‌های خود، به برساخت واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی همچون اعتیاد می‌پردازند و به شیوه‌هایی که ما درباره این مسائل می‌اندیشیم، شکل می‌دهند.

فرض نظری پژوهش حاضر این بوده است که فیلم‌های سینمایی، نوعی شناخت و دانش عامه پسند درباره آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد را در دسترس مخاطبان قرار می‌دهند و درباره علل آنها نظریاتی را مطرح می‌کنند. نتایج پژوهش حاضر، این فرض را تأیید می‌کند. فیلم‌های ایرانی مورد بررسی، هم اطلاعاتی زمینه‌ای همچون ترکیب سنی و جنسی، طبقه اجتماعی، وضعیت تحصیلی و شغلی معتادان ارائه می‌کنند و هم اطلاعات مختلفی درباره مواد مخدر رایج، شیوه‌های تهیه مواد و فضاهای مصرف آنها و ... به دست می‌دهند. همچنین این فیلم‌ها، غالباً آسیب‌های اجتماعی مربوط به معتادان و خانواده آنها را به تصویر کشیده و کوشیده‌اند در خلال گفتار و روایت خود، از معتاد شدن شخصیت‌های خود تبیین به دست دهند. به طور خلاصه، نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که مردان به

شکلی معنادار بیش از زنان در فیلم‌ها درگیر اعتیاد بودند. معتادان فیلم‌ها غالباً مجرد، بیوه یا مطلقه و اکثریت آنها تحصیل کرده و دارای مدارک دانشگاهی بودند. همچنین، در میان انواع مواد مخدر، مصرف هروئین بیش از سایر انواع مواد در فیلم‌های مورد بررسی نمود داشت و خانه شخصی معتاد و خانه دوستان مهم‌ترین مکان‌های مصرف، نمایش داده شده‌اند. دوستان مهم‌ترین تهیه‌کننده مواد و مهم‌ترین عامل شروع مصرف در فیلم‌ها نشان داده شده است. از سوی دیگر، در فیلم‌های مورد بررسی، طلاق و فروش فرزند بیشترین فراوانی آسیب‌های مربوط به معتادان را شامل شده و خانواده و گروه دوستان به عنوان مهم‌ترین علل اعتیاد برجسته شده است. همچنین، عوامل روانشناختی همچون تربیت نادرست فرزند و عشق نامناسب نیز به عنوان عوامل اعتیاد برجسته شده‌اند. با این حال، فیلم‌های ایرانی در خلال روایت‌های خود، نوعی از گفتمان درباره مسئله اعتیاد و معتادان را صورت‌بندی کرده‌اند. در این گفتمان، برخی از مسائل بیشتر برجسته و برخی مسائل کمتر پرداخته شده است. در خلال این برجسته‌سازی‌ها، البته سوگیری ایدئولوژیک نیز وجود داشته است. همین که معتادان فیلم‌ها بیشتر از قشر دارای تحصیلات دانشگاهی یا طبقات متوسط به بالا بوده‌اند، یا خانواده و گروه دوستان مهم‌ترین علل اعتیاد در فیلم‌ها نشان داده شده است، خود می‌تواند حاکی از نوعی سوگیری ایدئولوژیک باشد. این سوگیری ایدئولوژیک به ویژه در فیلم‌های دهه اول انقلاب، بیشتر نمود داشته است. تا آنجا که در برخی از فیلم‌های ایرانی دهه شصت همچون «تیغ و ابریشم»، «پنجمین سوار سرنوشت»، «تاراج» و «مزدوران» امپریالیسم و رژیم طاغوتی شاه عامل اعتیاد معرفی شده‌اند و یا معتاد به عنوان موجودی که از سطح انسانیت نزول کرده و به یک مادون انسان بدل شده است، تصور می‌شود. البته در دهه‌های مختلف پس از انقلاب، گفتمان فیلم‌ها درباره اعتیاد نیز دچار تغییر شده است. در فیلم‌های دهه هشتاد، علل اعتیاد بیشتر علل جامعه‌شناختی هستند و دیگر از معرفی امپریالیسم به عنوان عامل اعتیاد خبری نیست. همچنین در دهه هشتاد، معتادان فیلم‌ها نه غیرانسان، بلکه انسان به تصویر کشیده شده‌اند. انسان‌هایی که البته به واسطه اعتیاد بیمار شده‌اند و باید درمان شوند. این نحوه بازنمایی مسئله اعتیاد در فیلم‌های ایرانی، در چارچوب نظریه‌های رفتار (۲۰۰۶، ۲۰۰۷) معنادارند.

رفتار بر آن است که فیلم‌های جنایی، نوعی «جرم‌شناسی عامه‌پسند» را فراهم می‌آورند که با جرم‌شناسی آکادمیک همپوشانی‌هایی دارد. با این تعبیر، می‌توان گفت که فیلم‌ها در بازنمایی‌های خود از مسئله اعتیاد و معتادان نوعی «اعتیادپژوهی عامه‌پسند» فراهم می‌کنند که با اعتیادپژوهی آکادمیک گه‌گاه همپوشانی و گه‌گاه تفاوت دارد.

تفاوت و همپوشانی اعتیادپژوهی عامه‌پسند فیلم‌ها و اعتیادپژوهی آکادمیک به خصوص در نوع تبیین اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی معتادان و خانواده‌های آن‌ها بیشتر نمود دارد. در حالی که پژوهش‌های میدانی در موضوع اعتیاد غالباً عوامل جامعه‌شناختی همچون بیکاری، فقر، وضعیت آنومی اجتماعی و صنعتی‌شدن را از جمله عوامل مهم اعتیاد برمی‌شمرند، فیلم‌ها عواملی چون گروه دوستان و خانواده را در مرکز توجه قرار می‌دهند و از این رو، ما در بحث تبیین شاهد تفاوت نگاه فیلم‌ها به مسئله اعتیاد با نگاه تحقیقات میدانی و آکادمیک هستیم. از سوی دیگر، فیلم‌های ایرانی آگاهی‌هایی درباره فضاهای مصرف و شیوه‌های تهیه مواد در خلال روایت‌های خود به دست می‌دهند و از این نظر منبع خوبی برای طرح فرضیه‌های علمی فراهم می‌کنند. از این جنبه اعتیادپژوهی عامه‌پسند فیلم‌ها، به مکملی برای اعتیادپژوهی آکادمیک بدل می‌شود. پژوهش‌های آکادمیک به ندرت درباره فضاها و شیوه‌های تهیه مواد اطلاعات به دست داده‌اند و فیلم‌ها می‌توانند چنین اطلاعاتی را فراهم کنند. با این حال، به تبعیت از رفتار باید گفت که بهترین فیلم‌ها درباره مسئله اعتیاد آن‌هایی هستند که فهم عامیانه درباره اعتیاد را به چالش بکشند و تبیین علمی‌تری درباره اعتیاد و معتادان داشته باشند. مجموع فیلم‌های ایرانی ساخته شده درباره اعتیاد، به جز برخی استثنائات، از جهت تبیین علمی فقیر هستند. لازمی فیلم‌سازی اصولی در این مورد، این است که فیلمسازان حتماً مشاوران متخصص مطالعات اعتیاد را در کنار خود داشته باشند. امید است که پژوهش حاضر گامی هر چند کوتاه در این جهت باشد.

منابع

- آذری، غلامرضا (۱۳۷۷). جایگاه روش تحلیل محتوایی در سینما، فصلنامه *فارابی*، ۷ (۱)، ۵۰-۳۷.
 استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران: گام نو.
 استوری، جان (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه.

- بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
- دوونینو، ژان (۱۳۷۹). *جامعه شناسی هنر*، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدی زاده، سید مهدی (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ولف، جانت (۱۳۶۷). *تولید اجتماعی هنر*، ترجمه‌ی نیره توکلی، تهران: نشر مرکز.
- هواکو، جورج (۱۳۶۱). *جامعه شناسی سینما*، ترجمه بهروز تورانی، تهران: نشر آیین.
- Boyd, S & Carter, C. (2010), *Methamphetamine Discourse: Media, Law, and Policy*, *Canadian Journal of Communication*, 3, 219-237.
- Brown, M. (2003). 'Penological Crisis in America: Finding Meaning in Imprisonment Post-Rehabilitation', Unpublish Dissertation, Indiana University
- Campbell, R. (2005). *Marked Women: Prostitutes and Prostitution in the Cinema*. Madison, WI: University of Wisconsin Press.
- Chermak, S. (2002). *Searching for a Demon: The Media Construction of the Militia Movement*. Boston, MA: Northeastern University Press.
- Georg, A. (2009). *Quantitative and qualitative approaches to content analysis*, from "The content analysis reader", edited by Klaus Krippendorff and Marry Angela Bock, USA, Sage publication.
- Jenkins, P. (1994). *Using Murder: The Social Construction of Serial Homicide*. New York: Aldine de Gruyter.
- King, N. (1999). *Heroes in Hard Times: Cop Action Movies in the U.S.* Philadelphia, PA, Temple University Press.
- Miller, T., Stam, R. (1999). *A companion to film Theory*, Blackwell Publishing, Ltd.
- O'Brien, M, R., Tzanelli, M., Yar, M and Sue, P. (2005). The spectacle of fearsome Acts: Crime in Melting P (1) OT in Gangs of New York', *Critical Criminology*, 13(1), 17-35
- Rafter, N. (2007). Crime, film and criminology: Recent sex-crime movies, *Theoretical Criminology*, 11(3), 403-420.
- Rafter, N. (2006). *Shots in the Mirror: Crime Films and Society* (2nd edn). New York: Oxford University Press.
- Reinarman, C, & Duskin, C. (1999). *Dominant ideology and drugs in the media*. In J. Ferrell & N. Websdale (Eds.), *Making trouble: Cultural constructions of crime, deviance, and control* (pp. 73-87). New York, NY: Aldine de Gruyter.
- Stevenson, N. (1995). *Understanding media culture*, London, Sage.
- Tzanelli, R, Yar, M and O'Brien, M. (2005), *Con me if you can: Exploring crime in the American Cinematic Imagination*, *Theoretical Criminology* 9(1), 97-117.